

سوال‌های
پاسخ‌های جاری

بایسته‌های پاسخگویی به پرسشهای دینی و قرآنی کودکان و نوجوانان

حجت الاسلام و المسلمین غلامرضا حیدری ابهری



اشاره

زمانی که کودکان و نوجوانان نزد ما می آیند و سؤال‌هایی درباره مفاهیم و معارف دینی و قرآنی می پرسند، فرصتی پیش می آید تا با استفاده از میل درونی این گروه، آنان را یک گام به هدف زندگی و قدمی دیگر به قله کمال نزدیک سازیم. به راستی باید لحظه‌ای را که فرزندان یا شاگردان ما پرسشی مطرح می سازند، غنیمت شمرد. چون خود آنان آغازگر گفت و گو بوده‌اند، آمادگی بیشتری برای شنیدن دارند و پاسخ‌گویی ما به عنوان یک برنامه آموزشی- تربیتی، مؤثرتر، راحت‌تر و طبیعی‌تر پیش خواهد رفت.

این جانب که به لطف پروردگار چندین سال توفیق داشته‌ام که پاسخ‌گوی پرسش‌های کتبی و شفاهی کودکان و نوجوانان باشم، به تجربه‌های گران‌قدری در این باره رسیده‌ام که برخی از آن‌ها را تقدیم شما خوانندگان گرامی مجله رشد آموزش قرآن می‌نمایم. امیدوارم با راهنمایی شما عزیزان، این نوشتار کامل‌تر شود و در آینده‌ای نه‌چندان دور، به شکل اثری مستقل در مسیر نشر قرار گیرد.

شرح تفصیلی نکاتی که هنگام پاسخ‌گویی باید مورد توجه قرار داد، به امکانی بیش از یک مقاله نیاز دارد و ان شاء الله در نوشته‌های جداگانه‌ای تقدیم خانواده‌ها و مریبان می‌شود. در این جا تنها مهم‌ترین موارد را در قالب ۱۴ نکته تقدیم می‌کنیم:

کلید واژه‌ها: پرسش‌ها، دینی و قرآن، نوجوانان، پاسخ‌گویی

گوش سپردن هشیارانه به پرسش‌ها

هرگز از شنیدن پرسش فرزند یا شاگرد خود احساسی رنجش نکنید. حتی زمانی که جواب سؤال او را نمی‌دانید، از گوش دادن به پرسش او طفره نروید. شنیدن سؤالش نوعی احترام به او شمرده می‌شود و بی‌اعتنایی به آن، ناراحتی‌اش را در پی دارد. افزون بر این، توجه به سخنان پرسشگر، از فشار روانی حاصل از پرسش که بر دل او سنگینی می‌کند، می‌کاهد. وقتی شما به پرسش کسی گوش می‌کنید، اگر جوابی هم به او ندهید، دست کم در

تحمل آن پرسش، شریک وی شده‌اید. بسیاری از کودکان و نوجوانان و گاهی برخی از بزرگسالان به دنبال کسی می‌گردند که سؤال‌هایشان را با وی در میان بگذارند. البته شاید به جواب سؤالشان هم نرسند، ولی از دغدغه روانی خود می‌کاهند.

پس به پرسش‌های کودکان و نوجوانان خوب گوش کنید و هنگام طرح سؤال از سوی آنان، چهره درهم نکشید. گوش دادن به پرسش‌های کودکان و نوجوانان، شما را با روحیه و افکار آنان و مسائلی که پیش‌رو دارند، آشنا می‌سازد و در برنامه‌ریزی درست تربیتی و تأمین نیازهای علمی و اخلاقی این گروه یاری‌تان می‌کند.

آیا می‌دانید بسیاری از احادیث اهل بیت(ع) در زمینه پرسش‌هایی است که از آن بزرگواران شده است؟ این نکته، نشانه و دلیل محکمی برای توجه آن بزرگواران به پرسش‌های همه اقشار جامعه است. سوره توحید که یکی از مهم‌ترین سوره‌های قرآن است و پاداش تلاوت آن با تلاوت ثلث قرآن برابر است و در پاسخ به پرسش یهودیان درباره خدا نازل شده است. بنابراین، پرسیدن و پاسخ‌گو بودن، روشی الهی و سنت خاندان پیامبر(ص) بوده است. با این حال، آیا نباید به پرسش‌های دینی و قرآنی فرزندانمان اهتمام ویژه داشته باشیم؟!

درک دقیق پرسش

پیش از پاسخ‌گویی به پرسش فرزند یا شاگردتان، به‌طور دقیق حوزه پرسش او و ماهیت آن را مشخص کنید. برای این کار، با طرح چند پرسش می‌توانید به خوبی دریابید که سؤال اصلی وی چیست. مثلاً اگر نوجوانی از شما بپرسد: «برای آشنایی با قرآن چه کار باید بکنیم؟» برای پاسخ‌گویی درست، باید به‌طور دقیق بدانید که منظور او از آشنایی با قرآن، آشنایی با روخوانی آن است یا آشنایی با تجوید قرآن یا ترجمه و تفسیر آن. در این گونه موارد بهتر است از خودش کمک بگیرید و با چند پرسش خیلی دقیق، چستی پرسش او را مشخص سازید. درک دقیق پرسش، کار پاسخ‌گویی را آسان می‌سازد و مخاطب شما را نسبت به پاسخی که ارائه می‌دهید، مطمئن‌تر می‌کند.

سوره توحید که یکی از مهم‌ترین سوره‌های قرآن است و پاداش تلاوت آن با تلاوت ثلث قرآن برابر است، احتمالاً در پاسخ به پرسش یهودیان درباره خدا نازل شده است

پاسخ «نمی‌دانم»

هنگامی که پاسخ پرسشی را نمی‌دانید، از گفتن عبارت بسیار ارزشمند و عالمانه «نمی‌دانم» خجالت نکشید. در حدیثی از امام علی(ع) آمده است: «و لا یستحیی احدکم اذا سئل عما یعلم ان یقول: لا اعلم». اگر از شما سؤالی پرسیده شد که جوابش را ندانستید، هیچ کدامتان از گفتن «نمی‌دانم» شرم نکنند. بی‌گمان ما در همه زمینه‌ها و مسائل نمی‌توانیم پاسخ‌گوی پرسش‌های کودکان و نوجوانان باشیم. باید به آنان بیاموزیم که دانش، بسیار گسترده و بی‌کران است و هر انسانی، تنها به بخشی از گنج علم و دانش دسترسی دارد. در عین حال باید آنان را مطمئن کنیم که برای اغلب سؤال‌ها، جوابی روشن و آماده وجود دارد که نزد متخصصان آن موضوع است.

گفتن «نمی‌دانم» نه تنها جایگاه علمی شما را نزد کودکان و نوجوانان پایین نمی‌آورد، بلکه اگر با رعایت دیگر بایسته‌های پاسخ‌گویی همراه باشد، باعث می‌شود که آنان شما را فردی فکور و فرهیخته بدانند و تواضع و فروتنی را از شما بیاموزند.

حضرت صادق(ع) روایت است که: «ان من اجاب فی کل ما یسال عنه المجنون»: کسی که درباره هر چه از او می‌پرسند جواب می‌دهد، مجنون است.

شک نکنید که پرسشگر نیز به مرور زمان خواهد دانست که گفتن «نمی‌دانم» ناشی از عقل و درایت شماسست و هرگز آن را دلیلی بر ضعف اطلاعات شما نخواهد شمرد. چنانچه امیرمؤمنان(ع) فرمود: «قول لا اعلم نصف العلم»: این که بگویی نمی‌دانم، نیمی از دانش است.

درنگ در پاسخ‌گویی

کودکان و نوجوانان به دلایل بسیاری مانند خجالت کشیدن، ترس از واکنش بزرگ‌ترها و مهارت نداشتن در بیان پرسش‌ها، خیلی وقت‌ها نمی‌توانند سریع و راحت پرسش خود را با شما درمیان بگذارند و مجبور می‌شوند برای توضیح سؤال خود بارها مکث کنند. مبادا پس از شنیدن بخشی

از پرسش او، کار پاسخ‌گویی را آغاز کنید! شاید گاهی به‌طور کامل بدانید که آنان چه پرسشی را مطرح خواهند کرد، اما حوصله کنید تا پرسش خود را به‌طور مفصل بیان دارند. این کار شما، گذشته از این که نوعی احترام به آنان شمرده می‌شود، آمادگی روحی‌شان را برای دریافت پاسخ بیشتر می‌کند و اعتماد آن‌ها را به شما و پاسختان افزایش می‌دهد. در حدیثی از حضرت صادق(ع) می‌خوانیم: «من اخلاق الجاهل الاجابه قبل ان یسمع»: از اخلاق فرد نادان آن است که پیش از شنیدن سؤال، جواب می‌دهد.

درضمن، کمی مکث پس از شنیدن سؤال، آمادگی و شوق مخاطب را برای دریافت جواب و آمادگی شما را برای ارائه پاسخی منطقی بالا می‌برد. پس در ارائه پاسخ عجله نکنید. در حدیثی از امام علی(ع) آمده است: «من اسرع فی الجواب، لم یدرک الجواب»: کسی که در پاسخ‌گویی شتاب کند، به پاسخ درست دست نمی‌یابد.

دوری از رفتارها و پاسخ‌های اضطراب‌آلود

بسیاری از پدران و مادران هنگامی که می‌بینند فرزندشان درباره خدا، قیامت، نبوت، امامت و نزول قرآن پرسش‌هایی مطرح می‌کنند، سخت نگران ایمانش می‌شوند و چون علاقه زیادی به او دارند، دچار اضطراب و نگرانی می‌شوند. آن‌گاه به گمان خودشان برای حفظ ایمان فرزند خود، با برخوردی تند، وی را به ایمان داشتن دعوت می‌کنند. باید توجه داشت که طرح این‌گونه پرسش‌ها از سوی کودکان و نوجوانان، گامی است که آنان به سوی ایمان کامل‌تر و یقینی استوارتر برمی‌دارند. این‌گونه پرسش‌ها نشانه کمال‌جویی فرزند شما و خداخواهی اوست. اگر او سؤال خود را با شما درمیان می‌گذارد، برای آن است که برای رسیدن به ایمانی بهتر یاری‌اش دهید. اما اگر شما مضطرب شوید، این اضطراب به وی انتقال می‌یابد و احتمال دارد که برای همیشه، او را از طرح سؤال‌هایی از این دست، منصرف سازد. در نتیجه چنین وضعیتی سؤال‌های خود را در دل پنهان خواهد کرد و خدای ناکرده یکباره به نتایج غلطی خواهد رسید.

از این گذشته، اضطراب و سراسیمگی باعث خواهد شد که

از حضرت صادق(ع) روایت است که: «ان من اجاب فی کل ما یسال عنه المجنون»: کسی که درباره هر چه از او می‌پرسند جواب می‌دهد، مجنون است

شما با جواب‌های پی‌درپی و پاسخ‌های بهم‌ریخته و دسته‌بندی‌نشده، ذهن فرزندتان را آشفته کنید. هرگز نیز او را به پاسخ درست نخواهید رساند. در حدیثی از امیرمؤمنان می‌خوانیم: «اذا از دحم الجواب، خفی الصواب»: هنگامی که پاسخ‌ها زیاد و درهم شوند، حق مخفی می‌ماند.

همان‌گونه که خدای حکیم هدایتگر، بذر ایمان را در دل شما کاشت و آن را به نهالی تنومند تبدیل کرد، فرزند شما را نیز ان شاء الله به ایمانی پابرجا و استوار خواهد رساند. البته این سخنان هرگز به معنی توصیه به بی‌توجهی و مراقبت نکردن نیست، بلکه هشدار به کسانی است که به خاطر نگرانی از خطای فکری فرزند خود، دقیقاً در جهتی حرکت می‌کنند که خدای ناکرده سرانجام آن، انحراف فرزندشان است.

همان‌گونه که از امام علی (ع) شنیدید، پاسخ‌های زیاد و بهم‌ریخته، حق را از چشمان ما پنهان می‌سازد. به ظرفیت ذهنی فرزندتان به‌طور کامل توجه کنید و پاسخی کوتاه و در عین حال، دسته‌بندی‌شده و منظم ارائه دهید. در تاریخ آمده است که وقتی پیامبر اعظم (ص) سخن می‌گفت، بیان کلماتش با فاصله بود و اگر کسی می‌خواست می‌توانست آن کلمات را بشمارد و سخن آن حضرت را به خاطر بسپارد. چه خوب است که ما نیز از این شیوه پیامبر (ص) پیروی کنیم و پاسخ صحیح خود را در قالب جملاتی متین و شمرده ارائه دهیم.

پاسخ نگفتن هنگام دل‌مشغولی

پدر، مادر، معلم و مربی مانند دیگر انسان‌ها، همیشه از نشاط روحی و آمادگی برای گفت‌وگوهای ثمربخش برخوردار نیستند. شاید زمانی که آنان با پرسش روبه‌رو می‌شوند، دچار سردرد باشند و یا به خاطر یک مشکل کاری، حوصله گفت‌وگویی مؤثر با پرسشگر را نداشته باشند. در این وضعیت بهتر است به جای طرح پاسخ‌های نیچته و شتاب‌زده، محترمانه و دوستانه از پرسشگر بخواهند که در زمان دیگری سؤالش را مطرح کند. اگر او هم فراموش کرد سؤالش را بپرسد، آنان پیش‌قدم شوند و از

وی بخواهند که سؤال خود را مطرح کند. امیرمؤمنان علی (ع) حتی فردی را که کفشش تنگ است و به همین دلیل آزرده‌خاطر است، از داشتن فکر و نظر درست محروم می‌داند. زمانی که تنگ بودن کفش، آدمی را از ارائه نظر درست محروم می‌سازد، تکلیف پاسخ‌هایی که در زمان سردرد، بی‌حوصلگی و ناراحتی ارائه می‌شوند، روشن است.

بازگویی پرسش با زبان ساده

در صورت نیاز، مناسب است که پرسش فرزند یا شاگرد خود را یک‌بار با ادبیات خودمان برای او تکرار کنیم. این کار، هم نوعی همراهی با پرسشگر به‌شمار می‌آید و هم او را برای شنیدن دقیق پاسخ آماده می‌سازد.

درضمن، با این کار شیوه درست طرح پرسش را نیز به او می‌آموزیم. رسول خدا (ص) فرمودند: «حسن السؤال نصف العلم»: خوب پرسیدن، نیمی از دانش است. بر این اساس وقتی درست پرسیدن را به پرسشگر خود می‌آموزیم، او را از نصف دانش بهره‌مند ساخته و نیمی از راه کسب علم را برایش هموار کرده‌ایم. سپس با پاسخ درست و دقیق، نیم دیگر علم را به او می‌آموزیم.

پاسخ‌گویی پس از اندیشه و مطالعه

اگر برای پاسخ‌گویی شایسته به زمان نیاز دارید تا فکر یا مطالعه کنید و می‌توانید در فرصتی دیگر پاسخ بهتر و دقیق‌تری ارائه کنید، از مخاطب خود بخواهید که در زمانی دیگر، دوباره پرسش خود را مطرح سازد. جواب ندادن به سؤال، از ارائه پاسخ‌های سست و سطحی به مراتب بهتر است. همان‌گونه که پیش از این نیز گفتیم، سراسیمگی در مواجهه با پرسش‌های اعتقادی، باعث خطاهای گوناگون در پاسخ‌گویی خواهد شد و بر مشکلات فکری کودکان و نوجوانان خواهد افزود.

این احساس که: «اگر من الان جواب ندهم، او گمراه خواهد شد»، باعث عرضه پاسخ‌های ضعیف و تشویش‌آور می‌شود. البته ارائه برخی مقدمات و برخی توضیحات تا زمان عرضه پاسخ بهتر، اشکالی ندارد، ولی

اگر برای پاسخ‌گویی شایسته به زمان نیاز دارید تا فکر یا مطالعه کنید از مخاطب خود بخواهید تا زمان مناسب تری پاسخ خود را دریافت کند

نگران‌اند و بیم دارند که نتوانند به پرسش‌های بعدی آنان پاسخ دهند، جوابی را که می‌دانند نیز مطرح نمی‌سازند. شما اطلاعات مفید خود را به پرسشگرتان منتقل کنید و اگر با سؤال‌های دشوارتری روبرو شدید، او را به افراد مطلع دیگری ارجاع دهید. و یا پس از پیدا کردن پاسخ در فرصت دیگری به گفت‌وگو با وی بپردازید.

حاصل تجربه ده‌ها مورد گفت‌وگو با کودکان و نوجوانان آن است که بچه‌ها با چند جمله کوتاه درست و مهربانانه، قانع می‌شوند و تا پدید آمدن پرسشی دیگر آرامش می‌یابند. البته تأکید می‌کنم، جوابی که ارائه می‌دهید، باید درست و در عین حال روشن و دور از پیچیدگی باشد. رسول خدا(ص) فرموده‌اند: «ما گروه پیامبران، فرمان گرفته‌ایم که با مردم به اندازه عقل‌هایشان سخن بگوییم.» پاسخ خود را با درک ظرفیت ذهنی کودکان، ارائه کنید و بدانید که اگر مثال‌ها و استدلال‌های شما در حد توان عقلی آنان باشد، در بیشتر موارد، پاسختان را می‌پذیرند.

بیان سابقه پرسش

اگر پرسش مطرح‌شده سابقه دارد، به پرسشگر خود یادآور شویم که پرسش تو یکی از سؤال‌های مطرح‌شده در

اگر با یک مطالعه، پاسخ بهتر و جامع‌تری می‌توان ارائه داد، در پاسخ‌گویی شتاب نکنید. رسول خدا(ص) فرموده‌اند: «درنگ از خدا و شتابکاری از شیطان است.» عمل به این حدیث شریف، در کار پاسخ‌گویی به پرسش‌های مذهبی کودکان و نوجوانان ضروری‌تر و مهم‌تر است.

پاسخ‌گویی شجاعانه

ذهن بزرگ‌ترها پیچیده و تودرتو است، اما ذهن کودکان و نوجوانان این‌گونه نیست. برخی از ترس این‌که مبادا پس از پاسخ‌گویی به سؤال‌های کودکان یا پرسش‌های پیچیده‌تری روبرو شوند، از ارائه پاسخی که می‌دانند نیز صرف‌نظر می‌کنند. مثلاً وقتی کودکی می‌پرسد: «آیا جن وجود دارد یا نه؟» بزرگ‌تر از پاسخ دادن طفره می‌روند. زیرا می‌ترسند که پس از جواب دادن به این پرسش، با پرسش‌های پیچیده‌ای درباره شکل و شمایل، و حال و وضعیت جن روبرو شوند؛ البته این یک فرض بزرگسالانه درباره پرسش‌های ساده کودکان است.

من یقین دارم که بسیاری از پدران، مادران، معلمان و مربیان، از عهده پاسخ‌گویی به پرسش‌های کودکان و نوجوانان برمی‌آیند، ولی چون از ادامه پرسش و پاسخ



بعضی از بچه‌ها فکر می‌کنند که مسئله ذهنی‌شان تنها برای آن‌ها مطرح شده است و دانشمندان علوم اسلامی تجربه جواب‌گویی به آنان را ندارند. همین پندار باعث اضطراب آنان می‌شود

این زمینه است مثلاً می‌توانیم بگوییم که نوجوانان زیادی تاکنون از من و همکارانم پرسیده‌اند. که چرا قرآن به زبان عربی است؟»

بعضی از بچه‌ها فکر می‌کنند که مسئله ذهنی‌شان تنها برای آن‌ها مطرح شده است و دانشمندان علوم اسلامی تجربه جواب‌گویی به آنان را ندارند. همین پندار باعث اضطراب آنان می‌شود. اگر پرسشگران بفهمند که در این راه، هم‌سفران و همراهان بسیاری داشته و دارند، فشار این‌گونه پرسش‌ها را راحت‌تر تحمل می‌کنند. به قول معروف: «البلیه اذا عمت طابت»: بلا وقتی عمومی شد، گوارا می‌گردد.

یادآوری پاسخ‌های گوناگون

اگر یک پرسش، پاسخ‌های گوناگونی دارد، بهتر است این نکته را به پرسشگرمان یادآور شویم؛ البته نیاز نیست که ما همه پاسخ‌ها را ارائه دهیم. در این‌گونه موارد باید پاسخی عرضه کنیم که به ذهن مخاطب نزدیک‌تر و با ظرفیت علمی او متناسب باشد. در عین حال باید به وی گوشزد کنیم که این سؤال، چندین جواب دارد. مثلاً اگر دختری پرسید: چرا حضرت علی(ع) سخنانی در نکوهش زنان بیان فرموده است، می‌توانیم پاسخ آیت‌الله جوادی آملی را ارائه کنیم که می‌فرماید: «این حدیث درباره زنان همان دوران است که به خاطر نظام جاهلیت و ظلم مردان، از آموزش و رشد علمی و عقلی محروم بوده‌اند و منظور از این‌گونه احادیث، جنس زن نیست.» یعنی این احادیث به یک قطعه خاص از تاریخ اشاره دارند که بر اثر سنت‌های غلط جاهلی، زنان از کمترین حقوق انسانی خود محروم بودند و نمی‌توانستند در مسیر رشد و کمال حرکت کنند. در نتیجه نمی‌توان این احادیث را به دیگر مقاطع تاریخ و زنان دیگر دوران‌ها تسری داد.

هم‌چنین می‌توانیم پاسخ علامه شهید مرتضی مطهری را بیان کنیم که می‌فرماید: «این‌گونه احادیث بیانگر نسبت عقل و احساس در زنان و مردان است. به این معنا که زنان، به خاطر بر دوش کشیدن مسئولیت تربیت فرزندان، از عواطف بیشتری برخوردارند و مردان که عهده‌دار اداره خانواده و اقتصاد خانواده‌اند، قدرت تدبیر و برنامه‌ریزی بیشتری در این امور دارند. پس نباید چنین احادیثی را مذمت زنان شمرد، بلکه باید آن‌ها را توصیف احساسات و عواطف زن‌ها تلقی کرد.»

اگر درک پاسخ نخست برای مخاطب شما آسان‌تر است، آن را بیان کنید، ولی به وی یادآور شوید که جواب‌های

دیگری نیز در این زمینه وجود دارد. با این کار، وی درمی‌یابد که حتی اگر پاسخ شما را نپذیرد، بالاخره این سؤال جواب دارد و سؤال بی‌جوابی نیست.

ارجاع به منابع معتبر

در برخی موارد، سعی کنیم پاسخ را از روی منابعی که در اختیار داریم، به پرسشگرمان ارائه دهیم. مثلاً اگر او پرسید: «فرستادن صلوات بر پیامبر هنگام شنیدن نام آن حضرت، واجب است یا مستحب؟» مسئله ۱۱۲۴ رساله را بیاورید و از روی کتاب برای او بخوانید که: «هر وقت انسان نام مبارک رسول‌الله(ص) را بگوید یا بشنود، مستحب است صلوات بفرستد.»

این نوع پاسخ دادن سه فایده دارد:

اول، وی را به پاسخی که شما بیان می‌دارید، مطمئن می‌سازد.

دوم، شما راه پیدا کردن برخی پاسخ‌ها را نیز به وی می‌آموزید و به قول معروف به جای دادن ماهی، ماهی‌گیری را به وی یاد می‌دهید.

سوم، منابع معتبر را هم به او معرفی می‌کنید.

البته ارجاع دادن به کتاب‌های معتبر هنگامی که زمان کافی برای پاسخ‌گویی ندارید، بسیار لازم است.

پاسخ‌گویی صمیمانه

هرگونه گفت‌وگویی آن‌گاه به ثمر می‌نشیند که شما با مخاطب خود ارتباط برقرار کنید و در فضایی صمیمی حرف‌های یکدیگر را بشنوید. این موضوع در مورد کودکان و نوجوانان، به‌ویژه زمانی که آنان پرسشی مطرح می‌سازند، اهمیت بیشتری می‌یابد. امیرمؤمنان علی(ع) در نامه ۳۱ «تهج البلاغه»، فرزند سی و چند ساله خود را با عبارت «یا بنی» (ای پسر) خطاب قرار می‌دهد و قبل از طرح دیگر مسائل، او را این‌گونه از عواطف خود بهره‌مند می‌سازد: «تو را دیدم که پاره‌ای از من هستی، بلکه دانستم که مرا همه جان و تنی. چنان‌که اگر آسیبی به تو رسد، به من رسیده و اگر مرگ به‌سر وقت آید، رشته زندگی مرا بریده. پس کار تو را چون کار خود شمردم و این اندرزه‌ها را به تو راندم تا تو را پشتیبانی بود.»

در همین نامه، امام(ع) بیش از ۱۰ بار فرزندش را با عبارت «بنی» (پسر) خطاب قرار می‌دهد که نشان از اهمیت ارتباط عاطفی در زمان گفت‌وگوی مؤثر دارد.

روزی رسول خدا(ص) در حال سخنرانی بودند که دیدند یکی از حاضران زیر آفتاب است؛ پیامبر(ص) از او خواستند که به سایه برود

این شوخی، سؤال مرا گوش کردند و پاسخ دادند.»

البته در پاسخ‌گویی کتبی از روش‌های دیگری می‌توان بهره گرفت که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم:

(الف) استفاده از نام پرسشگر: مثلاً می‌توان گفت: «آقا مهدی! آیا تا به حال درباره معنای نام خودت فکر کرده‌ای؟ آیا می‌دانی کلمه مهدی به چه معناست؟

مهدی به معنی هدایت‌شده است. مهدی یعنی کسی که راه درست را پیدا کرده و به هدایت رسیده است. قرآن هم کتاب هدایت است. یعنی راه درست زندگی کردن را به ما می‌آموزد. پس چه خوب است تو هم که نامت مهدی است، با کتاب هدایت بیشتر آشنا شوی. اگر خوب قرآن را یاد بگیری و به آیه‌های آن عمل کنی، آن وقت نام مهدی (هدایت‌یافته) برای تو زیننده‌تر و شایسته‌تر است.»

(ب) استفاده از نام شهر: مثلاً اگر پرسشگر اهل شهر ری است می‌توان گفت: «ان شاءالله در پناه خدا سالم و سربلند باشی و در کنار حرم حضرت عبدالعظیم برای من و همکارانم نیز دعا کنی. امیدوارم قدر سرزمینی را که در آن زندگی می‌کنی، بدانی.»

شهری، یکی از بزرگ‌ترین مراکز علوم اسلامی در قرن‌های گذشته بوده و عالمان بسیاری را در خود پرورش داده است. هم‌چنین، مزار مقبره بسیاری از بزرگان دین و معنویت در شهری قرار دارد. شیخ صدوق، ابوالفتح رازی، ملاعلی کنی، رجبعلی خیاط و آیت‌الله شاه‌آبادی - استاد امام خمینی(ره) - از جمله بزرگانی هستند که در شهری به خاک سپرده شده‌اند.

شهر شما هم‌چنین در طول هشت سال دفاع مقدس ملت ایران در مقابل صدام و مزدورانش، شهدای بسیاری را تقدیم کرده که نام آن عزیزان، اکنون زینت‌بخش کوچه‌های شهری است.»

(ج) استفاده از زمان پاسخ‌گویی: مثلاً می‌توان این گونه نوشت: «پاسخ‌های من وقتی به دستت می‌رسد که چند روزی بیشتر به ماه مبارک رمضان باقی نمانده و یا تازه این ماه عزیز فرا رسیده است. آمدن این ماه شریف را که بهار قرآن نام گرفته است، به تو تبریک می‌گویم. قدر این

اگر گفت‌وگوی شما با پرسشگرتان گفت‌وگویی خشک اداری باشد، چندان قرین توفیق نخواهد بود؛ زیرا فضای رسمی پرسش و پاسخ، او را از درک دقیق پاسخ محروم می‌سازد. ایجاد ارتباط با پرسشگر و برخورد صمیمانه با او، جسارت طرح پرسش‌های بعدی را به وی می‌دهد و اعتمادش را به پاسخ‌های شما بالا می‌برد. برای ایجاد فضای صمیمی، از این روش‌ها می‌توانید بهره ببرید:

(الف) جای مناسب و آرامی را برای گفت‌وگو تعیین کنید. اساساً باید جای پرسشگر در زمان دریافت پاسخ، جای مناسبی باشد. روزی رسول خدا(ص) در حال سخنرانی بودند که دیدند یکی از حاضران زیر آفتاب است. پیامبر(ص) از او خواستند که که به سایه برود.

(ب) نامش را از او بپرسید. البته این روش درباره پدران و مادران معنا ندارد. آن‌ها می‌توانند به جای پرسیدن نام فرزند، از کارهای روزانه او و برنامه‌های درسی‌اش سؤال کنند.

(ج) پیش از ارائه پاسخ، با یک شوخی دوستانه، فضا را تغییر دهید. یکی از طلاب می‌گفت: «من به

آیت‌الله بهجت عرض کردم: آقا اجازه می‌دهید سؤالی بپرسم؟ فرمودند: آیا سؤال تو کوتاه است؟ عرض کردم: بله. فرمودند: آیا جوابش هم کوتاه است؟ عرض کردم: بله. ایشان لیخندی زدند و فرمودند: تو از کجا می‌دانی؟ پس از



اگر خوب قرآن را یاد بگیری و به آیه‌های آن عمل کنی، آن وقت نام مهدی (هدایت‌یافته) برای تو زبیده‌تر و شایسته‌تر است

وی را به رحمت بی‌پایان پروردگار و عفو و بخشش خدای مهربان نیز امیدوار کنید. با تصویری درست از مهربانی و لطف خداوند، وی را به اعتدال روحی برسانید.

در روایات اسلامی آمده است: «هیچ بنده مؤمنی نیست مگر آن که در دلش دو نور است: نور ترس و نور امید که اگر هریک از آن‌ها را وزن

کنی، بر دیگری فزونی نیابد.»

زمانی که این تعادل ایمانی بر هم می‌خورد و کفۀ ترس بر کفۀ امید غلبه می‌یابد، پیش از ارائه پاسخ، البته باید روح را به تعادل مورد نظر اولیای دین بازگرداند. در نمایشگاه بزرگ قرآن کریم، خودم با دختری روبه‌رو شدم که به خاطر ترس افراطی از آخرت، به مشتی پوست و استخوان تبدیل شده بود.

البته این هشدار نباید ما را از آموزش صحیح مفاهیم دینی بازدارد، اما باید به اثرات روحی و اخلاقی پاسخ‌های خود نیز دقت کنیم و به جای آن‌که فقط با ذهن مخاطب مواجه شویم، باید عواطف و احساسات او نیز دقت کنیم مثلاً بگوییم: «برادرم! دو سؤال اولت درباره عذاب‌های آخرت بود. فکر می‌کنم درباره آخرت احساس نگرانی می‌کنی و می‌ترسی که مبدا تو هم به آتش عذاب خدا گرفتار شوی. اگر ترسیدن از عذاب خدا باعث دوری ما از گناهان شود، بد نیست، اما این ترس نباید ما را از رحمت خدا غافل کند. لطف، رحمت و مهربانی خدا را هرگز فراموش نکن. اگر کمی به اطرافت نگاه کنی، می‌بینی که نشانه‌های رحمت خدا در همه جا وجود دارند. به خودت نگاه کن و ببین خدا چه نعمت‌هایی را برای راحت زندگی کردن به تو داده است؛ چشم، گوش، زبان، دندان، دست، پا و...»

مثال دیگر، سؤال برخی دختران است که می‌پرسند: «چرا خدا، دخترها را آفریده است؟» زمینه ایجاد چنین پرسشی، در دختران، سرکوب درخواست‌های منطقی آنان از سوی خانواده یا اجتماع، رویارویی با محدودیت‌های بی‌مورد، ناکامی‌های گوناگون در زندگی، بی‌توجهی و بی‌مهری والدین به آنان، و برخی تبعیض‌ها میان دختران و پسران است که آنان را آزرده ساخته و به طرح چنین پرسشی را داشته است.

ماه را بدان که ما خوبی و مهربانی و دوستی و پرهیزگاری است. چه خوب است که در بهار قرآن، ارتباطت را با قرآن کریم، بیشتر کنی. در ماه رمضان، دل انسان نرم‌تر می‌شود و برای فهمیدن آیه‌های قرآن آماده‌تر می‌گردد. این فرصت بالارزش را غنیمت بدان که فرصت غنیمت است، نباید از دست داد.»

د) استفاده از سن مخاطب: مثلاً بگوییم «خوش‌حالم می‌بینم، خواهر نه ساله‌ای مانند تو که به سن تکلیف رسیده است، این قدر علاقه دارد با قرآن آشنا شود و آن را خیلی زود یاد بگیرد. هر کس در هر سنی که باشد، می‌تواند دوستی با قرآن را آغاز کند، اما آغاز این دوستی از کودکی و نوجوانی بهتر و زیباتر است...»

ه) استفاده از دستخط، نوع پرسش‌ها و دیگر موارد: دستخط پرسشگر، نوع پرسش‌های او و حتی نام مستعاری که برای خود برگزیده است نیز می‌تواند راهی برای ایجاد ارتباط باشد. مثلاً خطاب به پرسشگری که نام مستعار F را برای خود برگزیده، این‌گونه می‌نویسیم: «چون نام خود را نوشته بودی، من هم مجبور شدم با همان نام F که خودت انتخاب کرده‌ای، تو را مورد خطاب قرار دهم. شاید نامت فاطمه یا فریده یا فرهاد یا فریدون باشد. در هر حال تفاوتی نمی‌کند، مهم این است که پرسش‌هایت اکنون پیش روی من است و من باید به همه آن‌ها پاسخ بدهم.»

پاسخ‌گویی به پرسش‌های پنهان

گاهی از نوع پرسش‌های فرد معلوم می‌شود که او نگرانی ویژه‌ای دارد. در این موارد، تنها پاسخ‌گویی به پرسش‌های او، مشکل فکری‌اش را حل نمی‌کند. مثلاً اگر دیدید فرزند شما درباره قیامت و عذاب‌های آن پرسش‌های گوناگونی را می‌پرسد، شک نکنید که او دچار ترس افراطی از قیامت شده و از مهربانی و رحمت پروردگار غافل گشته است. در این موارد، هر قدر توضیحات شما از عذاب‌های قیامت دقیق‌تر و جامع‌تر باشد، او را از دین دورتر کرده‌اید. البته نباید به پرسش‌های او پاسخ غلط بدهید، اما هم‌زمان با این کار، باید

هر گونه گفت و گویی آن گاه به ثمر می نشیند که شما با مخاطب خود ارتباط برقرار کنید و در فضای صمیمی حرف های یکدیگر را بشنوید

آن حضرت محرومیم؟»

بخش های آغازین دعای ندبه، از نظر علمی به این سؤال پاسخ می دهد و روشن می سازد که این غیبت به دلیل عدم لیاقت امت در بهره مندی از امام بوده است. دعای ندبه، سرنوشت دردناک امامان گذشته را یادآور می شود و با این کار معلوم می سازد که اگر امام زمان (ع) غیبت نمی کرد، آن حضرت نیز به

سرعت شهید می شد. دعا با این پرسش که: «این الحسن این الحسین؟» (حسن کجاست؟ حسین کجاست؟) خواننده دعا را به تفکری عمیق فرامی خواند و به او گوشزد می کند که اگر تو به این سؤال پاسخ دهی که سرنوشت حسن (ع) و حسین (ع) چه شد، پاسخ این پرسش را هم دریافت خواهی کرد که چرا مهدی (ع) غیبت کرده است.

اما آیا این جواب دقیق علمی، روح شیعه شیفته و شیدای مهدی (ع) را آرام می سازد و حزن او را در محرومیت از ارتباط با امام (ع) برطرف می کند؟ هرگز! او دوست دارد صمیمانه ترین ارتباط را با امامش داشته باشد، به گفت و گو با حضرتش بنشیند و بی واسطه، از فیض وجود زاده زهر (علیها السلام) بهره مند شود.

بخش های پایانی دعای ندبه، به این میل شیعه عاشق، پاسخ عاطفی می دهد و با باز کردن راه گفت و گو با گل نرگس، شیرینی مناجات عاشقانه با مهدی را به کام او می چشانند. در این بخش ها، شیعه غریب عصر غیبت، به نیکی درمی یابد که امام او گرچه ظاهر نیست، ولی حاضر است و هر چند عصر ظهور نیست، ولی عصر حضور امام (ع) است. دعا به وی می فهماند که تو هم می توانی صمیمانه ترین ارتباط را با امام خود داشته باشی و بدون واسطه به او سخن بگویی و با حضرتش عاشقانه درد دل کنی:

هم چنین، عبارات آخر دعا، شیعه منتظر را متوجه می سازد که راه بهره مندی از فیض امام بسته نیست. تو می توانی مانند مردم امت های گذشته که از فیض اولیای الهی استفاده می کردند، از عنایاتی که خدا به برکت امام (ع) ارزانی می دارد، بهره مند شوی. پس دست به دعا بردار و بگو:

● «... و امن علینا برضاه»: (خدایا) بر ما منت گذار که مهدی از ما خشنود گردد.

در چنین موردی تنها بیان فلسفه آفرینش دختران و ستایش از جایگاه ممتاز آنان در هستی، پاسخ گویی مسائل ناگفته آنان و حل عمیق سؤال مطرح شده نخواهد بود. مربی، معلم و ولی باتجربه و دلسوز، از این پرسش راهی به مسائل ناگفته پرسشگر می گشاید و پس از تحلیل دقیق و

عمیق پرسش در یک گفت و گوی سازنده، او را به آرامش و آسودگی کامل می رساند. به این ترتیب، علاوه بر پاسخ گویی به سؤال او، گره های نهفته در آن را نیز بازمی گشاید.

پاسخ های عاطفی

در پایان این گفتار، جا دارد به یک اصل مهم در پاسخ گویی که ریشه در سیره و سخن اهل بیت (ع) دارد نیز اشاره کنم. این اصل مهم، پاسخ گویی علمی و عاطفی به طور هم زمان است. فرض کنید شما به فرزندان وعده داده اید که برای او اسباب بازی بخرید، ولی وقتی برای خریدن آن به بازار می روید، می بینید که مغازه ها بسته اند و شما مجبور می شوید دست خالی به خانه برگردید. فرزندان از شما می پرسد: «چرا برایم اسباب بازی نخریدی؟» اگر شما جواب بدهید: «مغازه ها بسته بودند»، او را از نظر ذهنی مجاب کرده اید، اما از نظر عاطفی ناراحتی او هنوز پابرجاست. او از نظر منطقی به شما اعتراضی ندارد، ولی هنوز از این که پس از ساعات انتظار، به خواسته اش نرسیده ناراحت است. او از شما دلخور نیست، ولی از اتفاقی که افتاده، دلگیر است.

در این جا شما باید در کنار توجیه ذهنی او، عواطف و احساساتش را نیز التیام ببخشید. برای این کار می توانید بگویید: «عزیزم، ناراحت نباش. صبح، ابتدا اسباب بازی تو را می خرم و بعد می روم سرکار.» یا می توانید به او مژده دهید که فردا علاوه بر خریدن اسباب بازی، بستنی هم برایش می خرید. در این وضعیت، آرامش کامل به قلب او بازمی گردد. نمونه این شیوه پاسخ گویی را در «دعای ندبه» می توانیم ببینیم. در تحلیل نویسنده، دعای ندبه پاسخ به سؤال شیعه دردمند و دور از امام عصر (ع) است که همواره می پرسد: «چرا امام زمان (ع) غایب است و چرا ما از ارتباط نزدیک با